

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

طلیعه بحث جدید (موارد اظهریت)

بعد از مطرح کردن موارد نصوصیت باید مواردی که از قبیل اظهر و ظاهر است را مطرح کنیم. این مطلب طی یک فصل در کلمات مرحوم آخوند خراسانی در کفایه مورد اشاره قرار گرفته است. مرحوم نائینی هم این بحث را مفصلتر مطرح کرده اند. موارد اظهر و ظاهر به صورت کلی به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- در تعارض دو دلیل یقین داریم یکی اظهر و دیگری ظاهر است: در این موارد اظهر را بر ظاهر مقدم می کنیم.

ب- در تعارض دو دلیل معلوم نیست اینها از قبیل تعارض دو ظاهر هستند یا از موارد اظهر و ظاهر هستند: این قسم موارد مختلفی دارد که یکی از آنها تعارض بین عام و مطلق است.

تعارض بین عام و مطلق

تعارض عام و مطلق امثلهی فراوانی نسبت به تخصیص مستهجن و سایر مواردی که گذشت دارد. این امثله با تتبع در فقه قابل جمع آوری است. در تعارض بین عام و مطلق این مشکله وجود دارد که آیا اینها هر دو ظاهر هستند و هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارند، یا در مواردی عام و در مواردی مطلق اظهر است، در نتیجه هر کدام که اظهر است را باید مقدم کنیم. در تعارض عام و مطلق مجموعاً دو نظر وجود دارد؛

الف- قول مشهور: عام بر مطلق مقدم است: به صورت کلی قائلین به این نظر برای تقدیم عام سه بیان دارند:

الف-1- چون دلالت عام وضعیه و دلالت مطلق عقلیه است لذا عام باید مقدم شود.

الف-2- عام همواره از حیث دلالت نسبت به مطلق اظهر است.

الف-3- اطلاق برای انعقاد نیاز به مقدمات حکمت دارد و عام مقدمات حکمت را از بین می برد لذا بر مطلق مقدم می شود: قائلین به نظریه در مورد از بین رفتن کدامیک از مقدمات حکمت اختلاف دارند:

الف-3-a- برخی می گویند از جمله مقدمات حکمت عدم وجود قرینه برخلاف است. عام نسبت به مطلق نقش قرینیت دارد لذا

یکی از مقدمات حکمت مفقود است و اطلاق منعقد نمی‌شود پس عام بر مطلق مقدم است. الف-3-b- برخی دیگر می‌گویند از جمله مقدمات حکمت در مقام بیان بودن متکلم است. ورود عام از طرف متکلم نشان می‌دهد اطلاق از ابتدا مدنظر او نبوده‌است لذا اطلاق منعقد نشده و عام بر او مقدم می‌شود.

ب- عام و مطلق در ظهور با یکدیگر فرقی ندارند: طبق این نظریه عام بر مطلق مقدم نمی‌شود و در تعارض باید سراغ سایر ملاکات رفت در نتیجه امکان دارد در بعضی موارد عام و در بعضی موارد مطلق اظهر باشد.

دیدگاه مرحوم شیخ

مرحوم شیخ در رسائل می‌فرماید عام ظهور تنجیزی دارد یعنی دلالتش به دلالت وضعیه است؛ اما مطلق ظهور تعلیقی دارد یعنی دلالتش به مقدمات حکمت است. یکی از مقدمات حکمت، عدم وجود قرینه بر خلاف اطلاق است یعنی چیزی نداشته باشیم که صلاحیت داشته باشد تا جلوی انعقاد اطلاق را بگیرد، در حالی که عام صلاحیت برای قرینیت دارد و موضوعی برای مطلق باقی نمی‌ماند.^[1]

دیدگاه مرحوم آخوند در کفایه

مرحوم آخوند در مقام اشکال به مرحوم شیخ می‌فرماید هر چند یکی از مقدمات حکمت عدم البیان است ولی مراد از عدم بیان، در حال تخاطب است نه عدم بیان تا ابد، یعنی وقتی می‌گوئیم برای انعقاد اطلاق لفظ، قرینه یا ما یصلح للقرینة نباید باشد، مراد عدم وجود قرینه در حین تکلم و تخاطب است نه این که قرینه تا ابد وارد نشود.

به بیان دیگر مرحوم شیخ می‌گوید عام به صورت کلی صلاحیت بیانیت و قرینیت نسبت به اطلاق را الی الأبد دارد پس نسبت به آن اظهر است؛ ولی مرحوم آخوند می‌فرماید صلاحیت عام برای قرینیت زمانی حاصل می‌شود که قرینه در حال تخاطب و تکلم وارد شود. در نتیجه فرقی بین ظهور عام و مطلق وجود ندارد و تعارض بین ظاهرین ایجاد می‌شود.

البته در حال خطاب بودن به معنای اتصال به کلام نیست یعنی امکان دارد قرینه منفصل باشد ولی هنوز متکلم در مقام تخاطب نسبت به آن کلام است؛ پس مراد از حال تخاطب در کلام مرحوم آخوند معنای اصطلاحی قرینه متصله در مقابل قرینه منفصله نیست.

دلیل دیگر برای تقدیم عام بر مطلق این است که می‌گویند رفع ید از عام مستلزم تخصیص و رفع ید از مطلق مستلزم تقييد است و از خارج می‌دانیم تقييد اغلب از تخصیص است؛ پس در دوران بین تقييد و تخصیص، چون تقييد اغلب است ترجیح داده می‌شود، یعنی مطلق را مقید می‌کنیم و عام را به قوت خودش باقی می‌گذاریم. مرحوم آخوند در جواب این دلیل می‌فرماید اغلبيت تقييد صحيح نیست چون آقایان می‌گویند «ما من عامٍ إلا و قد خص».

در ادامه می‌فرماید در هر موردی فقیه باید ببیند کدامیک از عام و مطلق اظهر هستند و همان را مقدم کند یعنی گاهی امکان دارد عام و گاهی خاص قرائنی داشته باشند که سبب اظهر شدنشان شود. اگر هم هر دو از حیث ظهور مساوی بودند باید سراغ قواعد تعارض برویم.^[2]

عمده‌ی هدف از مطرح کردن این بحث این است که آیا با وجود اختلاف زمانی بین عصر ائمه (علیهم السلام) مثلاً با اطلاق موجود در کلام امام باقر (علیه السلام) و عام موجود در کلام امام عسکری (علیه السلام) چه برخوردی باید داشته باشیم؟ در این بحث مرحوم شیخ و آخوند فرقی بین تقدم و تاخر بین عام و مطلق نگذاشته‌اند ولی مرحوم اصفهانی به این نکته توجه داشته‌اند که کلام ایشان را مطرح خواهیم کرد.

مرحوم آخوند با توجه به این مطلب در حاشیه‌ی رسائل می‌گوید «ان اللازم علينا جمع كلمات الاثمة (ع) المتفرقة في الزمان و تفرض انها وردت في زمان و مجلس واحد و يؤخذ ما هو المتحصل منها على فرض الاجتماع». ایشان در این عبارت مقام مخاطب را در تمام ائمه من حيث المجموع گرفته و می‌گویند باید همه این کلمات را جمع کنیم و ببینیم محصل از این کلمات علی فرض الاجتماع چیست؟^[3]

بررسی دیدگاه مرحوم آخوند

به نظر ما بین این کلام و کلام کفایه تنافی وجود دارد چون هر چند «ابد» در کلمات متکلمین معمولی و موالیه عرفیه معنا دارد ولی در کلمات ائمه (علیهم السلام) معنا ندارد. اگر موالی عرفیه در حال مخاطب قرینه‌ای برای رفع ید از اطلاق آورد می‌گویند فی مقام التخطاب است. مثلاً اگر گفت اکرم العالم و ما يصلح للقرينية نیاورد که مرادش از این عالم، عالم عادل است مأمور هم شروع به اکرام علما کرد عادلاً او کان فاسقاً. مولی بعداً نمی‌تواند بگوید که چرا فاسق را اکرام کردید؟ اگر چند سال بعد گفت لا تکرّم الفاسق، نمی‌تواند این اطلاق را از بین ببرد یعنی کشف از این کند که متکلم از اول اراده اطلاق نکرده.

ولی در کلمات ائمه حق این است که بگوئیم همه کلمات را باید یکجا جمع کرد و نباید فرض تفکیک زمانی در کلمات ائمه کرد. بر مبنای مطرح شده در کلام مرحوم آخوند در حاشیه رسائل سه فائده مترتب می‌شود:

الف- باطل بودن مرجح احديث: در مباحث فقه و در سال گذشته ما بحث مرجح بودن احديث را مطرح کردیم. برخی می‌گویند اگر دو روایت با هم تعارض کردند و یک روایت از امام صادق (علیه السلام) و یک روایت از امام (جواد علیه السلام) بود، روایت احديث مقدم بر غیر احديث است چون روایت احديث ناسخ روایت دیگر است. به نظر ما برای ترجیح احديث دلیلی نداریم که بیان آخوند در حاشیه رسائل هم مؤید ما است چون باید کلمات را در مجلس واحد در نظر گرفت.

ب- عدم تفکیک بین زمان مخاطب و غیر آن در کلمات ائمه (علیهم السلام): با توجه به این مبنا تفکیک زمان مخاطب و غیر مخاطب هم امری باطل است چون با فرض اینکه تمامی کلمات ائمه در یک زمان وارد شده‌اند، همگی در زمان مخاطب هستند یعنی کلامی که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) صادر شده با کلامی که از حضرت حجت (عج) صادر شده تماشای حال مخاطب است.

ج- باطل بودن قرینه متصل و منفصل در کلمات ائمه (علیهم السلام): در کلمات ائمه فرض قرینه متصل و منفصل هم باطل است و اگر کلامی در زمان دیگری صادر شد بمنزلة الاتصال است چون فرض این است که تمامی کلمات در مجلس واحد ایراد شده‌اند. پله اگر کلمات ائمه را جدا از یکدیگر در نظر بگیریم امکان مطرح کردن این کلام وجود دارد که بین دو کلام تعارض واقع شده است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

- [1] □ فرائد الأصول، ج4، ص: 97 و 97: منها: تعارض الإطلاق و العموم، فيتعارض تقييد المطلق و تخصيص العام. و لا إشكال في ترجيح التقييد، على ما حققه سلطان العلماء: من كونه حقيقة؛ لأنَّ الحكم بالإطلاق من حيث عدم البيان، و العام بيان، فعدم البيان للتقييد جزء من مقتضى الإطلاق، و البيان للتخصيص مانع عن اقتضاء العام للعموم، فإذا دفعنا المانع عن العموم بالأصل، و المفروض وجود المقتضى له، ثبت بيان التقييد و ارتفع المقتضى للإطلاق، فالمطلق دليل تعليقى و العام دليل تنجيزى.
- [2] □ كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص: 450: منها (ما قيل في ترجيح ظهور العموم على الإطلاق و تقديم التقييد على التخصيص فيما دار الأمر بينهما من كون ظهور العام في العموم تنجيزياً بخلاف ظهور المطلق في الإطلاق فإنه معلق على عدم البيان و العام يصلح بيانا فتقديم العام حينئذ لعدم تمامية مقتضى الإطلاق معه بخلاف العكس فإنه موجب لتخصيصه بلا وجه إلا على نحو دائر و من أن التقييد أغلب من التخصيص.) و فيه أن عدم البيان الذى هو جزء المقتضى في مقدمات الحكمة إنما هو عدم البيان في مقام التخاطب لا إلى الأبد و أغلبية التقييد مع كثرة التخصيص بمثابة قد قيل ما من عام إلا و قد خص غير مفيد ف لا بد «2» في كل قضية من ملاحظة خصوصياتها الموجبة لأظهرية أحدهما من الآخر فتدبر.
- [3] □ اين كلام مرحوم آخوند در حاشيه رسائل پيدا نشد. بله در فوائد الاصول، 4، 732 اين كلام از قول مرحوم آخوند نقل شده است.